

در حوزه‌های متفاوت آن.

### تعریف تئاتر و هنرمند تئاتر از دید شما؟

هنر تئاتر هنر صادقی است. هنر بسیار راست‌گویی است. از جنس فریاد، از جنس صداقت، از جنس بی‌ریایی. هنر تئاتر زشتی‌ها را نمی‌پوشاند، سانسور نمی‌کند. اتفاقاً زشتی‌ها، خوبی‌ها، سره از ناسره و... را نشان می‌دهد و اگر در تئاتری این اتفاق نیفتد، مخاطب سریعاً آن را درک می‌کند و تئاتر را پس می‌زند و با آن ارتباط برقرار نمی‌کند.

به‌همین جهت بسیاری از تئاترها هستند با هزینه گزاف، اما به دلیل این‌که سفرashi هستند و آن جنس صداقت و ارتباطات خالصانه را ندارند مردم از آن‌ها

به‌قدر قفسی که برایش در نظر گرفتند، بال‌هایش را باز کند و آن رهائی را ندارد. در شهرستان‌ها کارگردان باید کار تهیه‌کنندگی و کارهای پیش‌از تولید را نیز انجام دهد. در صورتی‌که در جاهای دیگر همه امکانات فراهم است و کارگردان خلاقیتش را در کارگردانی متمرکز می‌کند.

### مهم‌ترین حرفی که تاکنون با کارهای تئاتری خود زده‌اید چه بوده؟

مهم‌ترین حرفی که با کارم زدم لذت بردن از لحظه‌لحظه‌ی زندگی است. معتقدم تئاتر یعنی دم، یعنی لحظه، یعنی ارتباط در لحظه. بزرگ‌ترین حرفی که با تئاتر زدم ایجاد لحظه است. ایجاد لحظه‌ای که بتوان با چندین آدم که دور هم جمع شدند یک تعامل، یک تجربه و یک جنس ارتباطی مشترک ایجاد کرد. فکر می‌کنم خیلی



لذت‌بخش است که آدم بتواند در یک جمع ۳۰۰-۲۰۰ نفری لحظات نابی را خلق کند که در دل آن لحظات، تجربه‌ها و هم‌اندیشی‌های مشترک و حتی عاطفی رد و بدل می‌شود. ما انسان‌ها خیلی دوست داریم درک شویم و دیگران را درک کنیم. در تئاتر این اتفاق در یک آن می‌افتد. لحظاتی پیش می‌آید که تجربه‌های عاطفی-عقلانی متفاوتی ردوبدل می‌شود و این همان جمله‌ی «من درد مشترکم، مرا فریاد کن» است که به‌شدت لذت‌بخش است.

### تئاتر چقدر می‌تواند در تعالی روح انسانی موثر واقع شود؟

این مسئله دو بخش دارد: یکی این‌که من تئاتری در تعالی روح چه اتفاقی می‌افتد؟ شما وقتی به‌عنوان کارگردان، بازیگر، نویسنده؛ اثری را خلق می‌کنید و خداوندگار یک اثر می‌شوید، مجبورید مثل خدا همه‌چیز را بدانید و خودتان را جای آدم‌ها و تجربه‌های متفاوت بگذارید. ناخودآگاه وقتی شما چند نقش را بازی می‌کنید و تجربه‌های متفاوت آن افراد را زیست می‌کنید که در دنیای متن زندگی می‌کنند، انگار شما آن تجربه را کسب کردید. بعد از گذر چندین سال و کسب مهارت در این قضیه، ناخودآگاه ظرفیت بالایی در روح و روانتان ایجاد می‌شود. تحمل، صبر و آرامش شما بالا می‌رود. نسبت‌به طول عمرتان، عرض زیادی پیدا می‌کنید. ما در عمر خود فقط می‌توانیم زندگی خودمان را تجربه کنیم اما تئاتر این امکان را به شما می‌دهد که زیست‌های متفاوت را درک کنید و تاثیر آن‌ها در روح و روان شما باقی می‌ماند و شما را عمیق‌تر می‌کند. دیدگاه شما نسبت‌به زندگی را وسعت می‌دهد تا محیط اطراف را خوب درک کنید، تاثیرگذار باشید و به وقت هم تاثیر بگیرید. بخش دوم

استقبال نمی‌کنند. به‌خاطر روح عربانی که تئاتر دارد، به نظرم یک هنر ارزنده و خردورز است و اگر این هنر از کودکی در سبد خانوار هر اجتماع و جامعه‌ای باشد، ناخودآگاه آن اجتماع و جامعه پیشرفت وسیعی می‌کند.

همان‌طور که داریم می‌بینیم در دولت‌های غربی چون پایه‌ی کارشان بر تئاتر و نمایشنامه است، برخلاف شرقی‌ها که بر شعر و موسیقی است؛ زودتر به مدنیت و خردورزی نائل می‌شوند و مردم به مسائل فرهنگی و اجتماعی خود؛ به وقت، به‌جا و به‌اندازه واکنش نشان می‌دهند.

این هنر جمعی تئاتر که مردم را به هم‌اندیشی دعوت می‌کند باعث می‌شود تربیت و هم‌اندیشی گروهی اتفاق بیفتد و ظرفیت گفتگوی آدم‌ها با هم‌بالا رود و مردم همدیگر را بشنوند و درک کنند. لازمه کسب این مهارت در اجتماع، پرداختن به تئاتر که یک هنر اجتماعی-جمعی است، می‌باشد. تئاتر یک هنر جمعی بسیار مؤثر، خردورز و جاهل‌ستیز است.

### در کارگردانی تئاتر چه چیز از همه مشکل‌تر است؟

اگر منظور، کار در شهرستان‌هاست؛ باید بگویم بزرگ‌ترین مشکل کارگردان‌ها، تهیه‌کنندگی کار هم هست و نبود امکانات و زیرساخت‌های مناسب هم مشکل دیگر است. به همین دلیل جنس تئاتر در شهرستان نسبت‌به تهران متفاوت است؛ حتی جنس تئاتر در تهران با دیگر کشورهای پیشرفته، به این دلیل که امکانات باعث می‌شود یک تئاتر به‌معنای واقعی کلمه خلاقیتش پروبال پیدا کند. وقتی امکانات نباشد کارگردان مجبور است به‌قدر ظرفی که هست و